

روندی که داریم جلو می‌رویم، عملا می‌خواهم برای سینمای رئال ایران گری بخوانم و تا یکی دو سال آینده شما شاهد این موضوع خواهید بود که انیمیشن ایران یک رقیب جدی بسترها، جذابیت‌ها و استعدادهایی که دارد. من سال‌هاست که کارم استعدادیابی در این حوزه است، با تیم‌های زیادی آشنا هستم و به این واقفم که اگر همین‌طور ادامه دهیم، قطعاً سال آینده در جشنواره فیلم فجر به جای چهار انیمیشن، حداقل هشت انیمیشن خواهیم داشت و شاهد این خواهیم بود که صنعت انیمیشن در ایران رونق جدی‌ای بگیرد. یعنی اگر همین‌طور ادامه دهیم و در کنارش دولت، مجلس، نمی‌دانم هر بخشی که در واقع تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری می‌کند، همراهی کند؛ شما این حرف‌های من را یادگیری داشته باشید!

از صحبت‌های ابتدایی تان در خصوص «شمشیر و اندوه»، پیداست که باز خورد خوبی را برای آن در بازار فیلم پیش‌بینی می‌کنید.

بله قطعاً. اصلاً احساس می‌کنم که حال خانواده انیمیشن خیلی خوب است و باید این اتفاق را به خانواده انیمیشن ایران تبریک گفت، فارغ از این که حالا کدام انیمیشن‌ها در جشنواره‌های مهم برنده سیم‌رغ یا دیگر جوایز می‌شوند، اصل ماجرا این است که انیمیشن ایران با استقبال که مخاطبان از این انیمیشن کردند برنده شده و این مهم‌ترین اتفاقی است که می‌توانست بیفتد. برای «شمشیر و اندوه» هم باز خوردهای خوبی از مخاطبان داشتیم حتی یک سری از بچه‌ها خودشان را جای قهرمان قصه می‌دانستند، فیلم‌هایشان هست که دختر بچه‌ها و پسر بچه‌های مختلف بعد از تماشای آن می‌گویند که دوست داشتند جای شخصیت‌های مختلف انیمیشن باشند. در کل باز خوردهای خوبی گرفتیم اما طبیعی است که هنوز انیمیشن‌ها به اندازه فیلم‌های رئال باز خورد ندارند، چون هنوز انیمیشن به آن نقطه نرسیده است که مطلوب فعالان در این حوزه باشد.

انیمیشن هم قطعاً با پشتکار هنرمندان، در آینده نزدیک به این نقطه خواهد رسید. حرف آخری برای این گفتگو مانده است؟

ما تلاش می‌کنیم از تکنولوژی‌های روز استفاده کنیم و خود را در زمینه‌های فنی ارتقا دهیم. در این انیمیشن هم از جدیدترین تکنولوژی روز دنیا استفاده شد که البته به معنای نداشتن ضعف نیست و مادر حال رشد و یادگیری هستیم. بابت توجهی که به این حوزه دارید، هم از شما تشکر می‌کنم. ما هم همیشه شما را در شبکه‌های مجازی مختلف دنبال می‌کنیم.



در حال حاضر شاید بعضی‌ها بگویند که ما قصه داریم، اما ما قصه نداریم، ما سوژه داریم. سوژه‌های خوب داریم اما قصه‌ای که منحصرأ برای انیمیشن باشد، نداریم. همین الان ادبیات محاوره‌ای مان این‌گونه است که مثلاً می‌گوییم یک فیلمنامه انیمیشن بنویسیم و به انیمیشن‌ساز بدهیم تا آن را بسازد



در حال حاضر نیروی انسانی ایرانی در خارج کشور در صنعت انیمیشن خیلی مورد توجه است به دلیل این که نیروی انسانی ایرانی پشتکار خوبی دارد، خلاق، توانمند و با استعداد است و با استعداد است و قطعاً در این صنعت از ایرانی‌ها خبرهای بسیار مهم‌تر و ویژه‌تری در تراز بین‌المللی خواهیم شنید

می‌شد تا همه توجه‌ها جلب شود که ما چنین ظرفیتی هم داریم؟! البته ما باید این اتفاق را به فال نیک بگیریم و این را بدانیم که انیمیشن در ایران قابلیت تبدیل شدن به صنعت دارد، مخاطب فوق‌العاده بالایی دارد، ما سوژه‌های بسیار جذابی برای تبدیل شدن به داستان برای کودکان و نوجوانان داریم و بستر انیمیشن بستری است که الزاماً فقط نمی‌شود به آن به عنوان یک ابزار برای کار کودک نگاه کرد، بلکه می‌تواند ابزاری باشد برای خلق قصه‌هایی که تولیدشان در قامت رئال بسیار سخت و شاید پرهزینه است. یعنی الزاماً مخاطبش، مخاطب کودک نیست. اصلاً شعار ما در جشنواره این است که «شمشیر و اندوه» آمده تا به مردم و رسانه‌ها بگوید انیمیشن فقط برای بچه‌ها نیست. ما با انیمیشن کارهای جدی‌تر و مهم‌تری هم می‌توانیم انجام دهیم. در حال حاضر نیروی انسانی ایرانی در خارج از کشور در صنعت انیمیشن خیلی مورد توجه است به دلیل این که نیروی انسانی ایرانی پشتکار خیلی خوبی دارد، خلاق، توانمند و با استعداد است و قطعاً در این صنعت از ایرانی‌ها خبرهای بسیار مهم‌تر و ویژه‌تری در تراز بین‌المللی خواهیم شنید. در واقع این بستر وجود دارد، قصه‌های خوب و سوژه‌های مناسب هم داریم، به واسطه یک سری اتفاقات، امکانات خیلی خوبی هم دارد به این ظرفیت اضافه می‌شود، فقط کافی است که مسئولین یک مقدار این مقوله را جدی‌تر بگیرند. به زبان خود می‌گویم با این

کاملاً متفاوت در حال ساخت است که قطعاً به جشنواره فجر سال آینده خواهد رسید. یکی از آن‌ها یک انیمیشن کاملاً فانتزی است در مورد یک نوجوان ۱۱، ۱۰ ساله و یک یوزپلنگ در دنیایی کاملاً فانتزی که قصه کاملاً متفاوتی دارد. فعلاً دیگر اثری شبیه به انیمیشنی که الان می‌بینید و با این مضمون، نخواهیم داشت.

انیمیشن‌های دهه ۶۰، انیمیشن‌های ماندگاری هستند که تفاوتشان با انیمیشن‌های دهه‌های بعد کاملاً مشهود است. شما به عنوان کسی که در این حرفه فعالیت دارید؛ دلیل این تفاوت را چه چیزی می‌دانید؟ چه چیزی در آن انیمیشن‌ها وجود داشت که در بسیاری از آثار بعدی دیگر نیست؟

قصه. دلیل تفاوت و ماندگاری آن انیمیشن‌ها، قصه‌های ناب بود که برای اولین بار به تصویر کشیده می‌شد. در حال حاضر شاید بعضی‌ها بگویند که ما قصه داریم، اما ما قصه نداریم، ما سوژه داریم. سوژه‌های خوب داریم اما قصه‌ای که منحصرأ برای انیمیشن باشد، نداریم. همین الان ادبیات محاوره‌ای مان این‌گونه است که مثلاً می‌گوییم یک فیلمنامه انیمیشن بنویسیم و به انیمیشن‌ساز بدهیم تا آن را بسازد. ما هنوز به این نقطه نرسیدیم که برای انیمیشن باید انیمیشن‌نامه بنویسیم. مقوله انیمیشن هیچ‌وقت آن‌طور که باید جدی گرفته نشده است. خدا را شکر یکی دو سالی است که یک اتفاقات خوبی دارد برای انیمیشن ایران می‌افتد. مثلاً حتماً باید محمد خیراندیش می‌رفت «پسر دلفینی» را در روسیه اکران می‌کرد، یک میلیون و هفتصد هزار دلار می‌فروخت، خبرش پخش

